

مجلس یازدهم در حال نزدیک‌شدن به آخرین ماه‌های فعالیت خود است. خود شما هم در مجالس مختلف حضور داشتید و در مجلس دهم هم با فهرست اصلاح‌طلبان وارد مجلس شدید. ارزیابی شما از عملکرد مجالس دهم و یازدهم چیست و اینکه مجلس به چه میزان توانسته است در ساختار سیاسی به جایگاه و وزن قابل‌قبولی برسد؟

من البته در مجلس یازدهم حضور ندارم که بتوانم ارزیابی دقیقی انجام دهم. بالاخره مردم از مجالس انتظار آرمانی دارند، اما نگاه من به مجلس آرمانی نیست. ممکن است تصمیمات خوبی گرفته و همچنین تصمیمات اشتباهی هم اخذ شود، بنابراین به راحتی نمی‌توان در مورد عملکرد مجالس قضاوت کرد، اما ما به عنوان خانه کارگر از تصمیمات اقتصادی مجلس، از مجلس پنجم تا به امروز ناراضی هستیم، به این خاطر که مدار تصمیمات مجالس ترجیح مصالح شخصی بر مصالح عمومی بوده است،الته‌اشتباه نشوداین حرف به معنای تصمیم‌گرفتن برای منافع یک گروه یا چند نفر نیست، بلکه منظورم کنار گذاشته‌شدن بخشی‌هایی از جامعه همانند کارگران از تصمیمات است. در واقع نگاه حاکم بر این مجالس این گزاره بوده است که اگر منافع شخصی در جامعه رنده شود و در ذهن افراد جا بیفتد، شرایط اقتصادی جامعه بهتر می‌شود. ما همیشه معتقد بوده‌ایم که تمام این گفته برعکس اتفاق می‌افتد. از همان مجلس پنجم صحبت‌های من وجود دارد و قابل رجوع است، بنابراین ما مبن چپ، راست، اصولگرا و اصلاح‌طلب خیلی تفکیکی در تصمیمات اقتصادی نگاه به جامعه کارگری نمی‌بینیم، یعنی مبانی فکری نزدیک به هم در مسائل اقتصادی دارد و فقط روش‌های مختلفی به کار می‌گیرند. در آن مورد دولت‌ها هم من به عنوان یک شهروند، همه رؤسای جمهور را دلسوز می‌دانستم و می‌دانم اما به عنوان خانه کارگر با همه اختلاف داشتیم. ما در دوره آقای هاشمی تثبیت قانون کار را داشتیم که موافق بودیم اما در مسائل تولیدی معتقد به توسعه ملی و تولید ملی بودیم و در آن دوران انتقادات جدی به شیوه واردات دولت داشتیم و سر همین مسئله آقای هاشمی از من دلخور بود. در طول این چند مجلس شاهد بیرون راندن کارگران از صحنه بودیم، اما در مجلس اول تا سوم اگر چه ما نفر خیلی کم داشتیم اما سهم کارگران، کشاورزان و توده‌های مردم به بهترین شکل مورد توجه قرار می‌گرفت و نکته جالب اینکه در مجموع در این چند دهه، شورای نگهبان بیشتر سمت کارگران ایستاده است و ما از شورای نگهبان تشکر می‌کنیم، البته من مجموع را عرض کردم، و گرنه با شورای نگهبان ما بر سر قانون کار اختلافات عمیقی داشتیم و همین قانون به عنوان اولین مورد به جمع تشخیص ارجاع داده شد.

شما در حالی از عدم توجه به کارگران سخن می‌گویید که انتقاد در مقابل طیفی از اقتصاددانان معتقد هستند چپ‌زدگی سال‌های اول انقلاب و توجه بیش از حد به کارگران باعث ضربه به اقتصاد کشور و بستن دست و پای کارآفرینان و اهالی سرمایه شد.

تجربه و سر دنیا این امر را نشان نمی‌دهد. این مسائل فقط در ذهن و افکار این افراد وجود دارد. ما ۴۰سال است در مورد توسعه چینی حرف می‌زنیم که نشان می‌دهد مسیر توسعه در کشورهایی مثل ما از انبثات سرمایه عبور نمی‌کند. چیزی‌ها مشهور به داشتن شم تجاری ما را هم با همه سابقه تجارت دارد، اما با این حال به سمت جریان مارکسیستی تا امروز ما از این ایدئولوژی عبور نکرده‌اند.

**اما عملاً از ایدئولوژی مارکسیستی عدول کرده‌اند.**

باید تحلیل آنها را هم شنید، این تحلیل شمامست، تحلیل آنها این نیست. ما معتقد است من باید از سرمایه‌داری عبور می‌کردم چراکه یک جامعه فئودالی بودم و نمی‌توانستم تر توسعه به شهر مکتبی کنیم. جامعه پیشرفته انگلیس و فرانسه نیستیم و باید از سرمایه‌داری عبور کنم و بعد به سوسیالیسم برسم. پس چین خود را در دوران گذار می‌بیند. توسعه اقتصاد چین را به نوعی موفقیت آندیشه چپ می‌دانید؟

بله، البته اقتصاد چین هم ویژگی‌های خاص خود را دارد و همگی بر مِطَبِک ایدئولوژی چپ نیست. اقتصاد چین یک اقتصاد روستایی است. در ست برخلاف سرمایه‌داری که مکتبی بر طبقه متوسط و شهر است. سال۱۹۴۵ حزب کمونیست چین بیروز شد و بعد شاهد انقلاب فرهنگی هستیم. انقلاب فرهنگی در چین به چه معنا بوده به این معنا بود که از شهر به روستا برگردیم. ادارات و دانشگاه‌ها را تعطیل کردند و به روستا برگشتند. وقتی من اولین بار در سال ۱۳۶۱ به چین رفتم، هنوز این جشن را پیدا نکرده بودند، می‌گفتند ما از ایدئولوژی خود عدول نمی‌کنیم، بلکه روش‌ها را تغییر می‌دهیم. یازدهدی از برخی روستاها داشتیم، چون می‌خواستیم تولید روستایی را ببینیم، نگاه کردیم دیدیم که همه پیراهن هایی که تن ماست، در مهند نوشته‌است و تولید می‌شود. در همان زمان در شهرهای چین خانه‌ها ۳۵متر بود اما در روستاها مردم در خانه ۲۰متری زندگی می‌کردند. ۲۰سال بعد دوباره به چین رفتم. در روستاها چین اتوبوس‌های شهری تولید می‌کردند. یک روستایی پل گلی پشت میز مدیر عامل نشسته بود. لازم نبود اعلام کند روستایی است، از لپ‌هایش ما می‌فهمیدیم. اتاق این فرد پر بود از عکس‌های او با مقامات کشور‌های مختلف و ۸۰۰ تا کارگرداشت. در همان زمان وسایل خانه کارگران روستایی چین از وضعیت زندگی مردم در خیلی از شهرهای اروپایی بهتر بود، بنابراین معتقد هستم هر کشوری باید الگوی خود را داشته باشد، اما متناسفانه ما ایدئولوژی را کنار گذاشتیم. اسلام ایدئولوژی ماست، فقط دین ما نیست، یعنی وقتی بی‌پندوباری را پذیرفتیم، دیگر نمی‌توانیم ایدئولوژی خودمان را دنبال کنیم. بی‌پندوباری محصول سرمایه‌داری است. این رویه اجازه نمی‌دهد شما به سمت ایدئولوژی بروید. وقتی به ایدئولوژی بی‌اعتقاد شدید، به دین هم بی‌اعتقاد می‌شوید. برخی فکر می‌کنند مردم به دین بی‌اعتقاد شده‌اند که به حکومت فحش می‌دهند، نه مسئله این نیست بلکه مردم به ایدئولوژی اول بی‌اعتقاد شده‌اند. چپ و راست ایدئولوژی را کنار گذاشته‌اند.

**یعنی شما مدل توسعه چینی را برای ایران مناسب می‌دانید؟**

من اصلاً معتقد نیستم مدل توسعه یک کشور را باید در کشور دیگری پیاده کرد. هر کشوری مدل خود را دارد. معتقد به مدل ایرانی هستم. این حرف صریح و قاطع من است که در کشور ما توسعه نمی‌تواند مکتبی به سرمایه و بخش خصوصی باشد چراکه در ایران توسعه از ابتدا دولت‌سالار بوده و به دست دولت انجام شده است. از ۴هزار و ۵۰۰هسال پیش توسعه در ایران دولت‌سالار بوده است. آیا شهرهای ما را بخش خصوصی ساخته است؟ در آمد ما در طول تاریخ از راه ترانزیت و مسیرهای شرق و غرب بوده است. راه نیاز به امنیت و زیرساخت دارد. در ایران جز دولت اینها را تأمین می‌کرد؟

**شمالاً معتقد به توسعه با عاملیت دولت هستید، این در حالی است که همواره خانه کارگر و شما هم پیمان آقای هاشمی بوده‌اید که معتقد به عاملیت بخش خصوصی برای توسعه بودند. این تناقض در رفتار و رویکرد شما نیست؟**

در این باب ما همواره منتقد دولت آقای هاشمی بوده، اما هیچ‌گاه اعتقاد به رویکردهای تقابلی نداشته‌ایم، بنابراین ما همه دولت‌ها همکار می‌کرده‌ایم. با دولت احمدی‌نژاد و رئیس‌ی هم‌کاری می‌کرده‌ایم.

شما می‌توانید با ما دیدگانه داشته باشید.



گفت‌وگوی تفصیلی «جوان» با علیرضا محبوب در مورد انتخابات اسفند

# تحریم انتخابات چریک‌بازی و هفت‌تیرکشی علیه نظام است

مرکز یا نپنخت، تقاطع خیابان ایران‌جوان وروانمهر ساختمانی قدیمی قدربرافته‌است که هنوز حال و هوای دههٔ ۶۰ در تک‌تک آجرهای قرمز رنگ آفتاب‌سوخته آن و پله‌هایی که در نبود آسانسور تفاخر می‌کنند، به مشام می‌رسد. اینجا خانه کارگر است. تابلوی سفید رنگ و شیشه شکسته آن از فرسخ‌های دور به خوبی نشان می‌دهد خانه «کارگر» است!همانطور که ساختمان بانک‌ها از فرسخ‌های دور دلبری می‌کنند. این ساختمان از دههٔ ۳۰متعلق به کارگران است، البته در مقطعی نصیب حزب‌های شاه ساخته، مخصوصاً رستاخیز شده، اما عین یک اسب چمچوس جز کارگران به کسی نسوزاری نداده است. اینجا توضیحات علیرضا محبوب، دبیر کل خانه کارگر در پایان مصاحبه است که در مورد ساختمان توضیح می‌دهد: ساختمانی که حالا محبوب می‌گوید خریدیم و مال هیچ نهاد دولتی و حاکمیتی نیست. این لوکیشن بکر برای ساخت آثار تاریخی دههٔ ۶۰، محل مصاحبه ما با علیرضا محبوب بود که همواره نشان داده است، چندان اهل تغییر نیست، نه در صورت، نه در سیرت و نه اتاق کار که همچنان میزهای چوبی کوچک ما را به یاد ساکنان های قلم‌های تاریخ انقلاب می‌اندازد. محبوب همچنان از موضع کارگران سخن می‌گوید. در این گفت‌وگو هم بیشتر از موضع کارگران سخن گفت تا موضع یک فعال سیاسی، برای همین

**ولی هم پیمان آقای هاشمی بودید؟**

بله حمات کردیم. از جمهوری اسلامی هم حمایت کردیم.

**یعنی بین مواضع سیاسی و فرهنگی آقای هاشمی و مواضع اقتصادی او فاصله‌گذاری کردید؟**

ما اعتقاد به جمهوری اسلامی داریم، به افراد اعتقاد نداریم. مرجع اعتقادی ما هم ولایت فقیه است که اینجا عکس ایشان بالای سر ماست، ما در این مورد با کسی معامله نکردیم و نمی‌کنیم. ما در عین انتقاد به دولت هاشمی، خود را در مجموع به آن نزدیک احساس می‌کردیم.

**پس چرا هیچ‌گاه در فهرست اصولگرایان نبوده‌اید و همیشه در فهرست اصلاح‌طلبان نام شما را دیده‌ایم؟**

خب اصلاح‌طلبان فعلی چپ‌های دهه ۶۰ هستند که الان تغییر مواضع داده‌اند. ما گذشته مشترکی داریم. وقتی این افراد از مواضع اقتصادی خود عدول کرده‌اند، ما انتقاد کرده‌ایم.

**اما در فهرست بودید.**

بله حتماً. عرض من این است که آنچه در گذشته وجود داشته است رامن‌توانیم پاک کنیم، این همکاری از قبل وجود داشته و رابطه ما با

جریان چپ سنتی و قدیمی است. درست است که با جریان راست کمتر ارتباط داشته‌ایم اما هیچ‌گاه هم آنها را تخریب نکرده‌ایم.

**یکی از انتقاداتی که در سال‌های اخیر از خود داخل جریان اصلاحات هم شنیده شد، مسئله کم‌توجهی جریان اصلاحات به مفهوم عدالت، کارگران و مسائلی از این دست است. به نظر شما این انتقادات به جریانات اصلاحات وارد است؟**

بله قبول داریم این مفاهیم کم‌رنگ شده، کلاً در جامعه کم‌رنگ‌شده و در اصلاح‌طلبان این مسئله بیشتر بوده است. ما از نقد داخلی خود فراد نمی‌کنیم و تر سی هم از این مسئله نداریم. این نقد، نقد درستی است.

**چرا کم‌رنگ شده است؟**

برای اینکه نقش سرمایه، صاحبان سرمایه و به مسائلی از این دست



ابتدای گفت‌وگو هم گریزی به توسعه چین زدید که خیلی علاقه‌مند به مدل توسعه چینی است. محبوب به صراحت و قاطعیت می‌گوید که تحریم انتخابات، ایستادن مقابل نظام و کشیدن اسلحه به روی آن است که ما اهل آن نیستیم و هیچ‌گاه به اسلحه اعتقاد نداشته‌ایم. او تندروهای اصلاح‌طلب که در دوران میانسانی و پیری هوای چریک‌بازی دوران جوانی را کرده‌اند، توصیه به انتخابات می‌کند و می‌گوید: شاید باز می‌خواهند چریک شوند، این بار چریک پیر، آن هم در دورانی که بهزاد نبوی، چریک پیر به قول محبوب تمام‌قد پای نظام ایستاده است و در نهایت اینکه همه جریان‌های شناسنامه‌دار اصلاح‌طلب با همین تأکید در زبان محبوب برای فهرست‌دان در انتخابات اسفند امسال کاندیدا دارند. محبوب در این گفت‌وگو هر چقدر در مورد حضور در انتخابات صریح است اما وقتی از تحولات داخلی جبهه اصلاحات و انتخاب آذر منصورى به عنوان رئیس جبهه اصلاحات سؤال می‌پرسم، حتی سا اصرار حاضر به سخنان گفتن نمی‌شود و محافظه‌کاری در او اوج می‌گیرد. آیا باید رد این محافظه‌کاری را در نوشته‌های قوچانی پیدا کرد که از دیکتاتوری حلقه سفارت در جبهه اصلاحات نوشته بود، آیا محبوب هم نگران این تستخیر کنندگان دیروز سفارت و دیکتاتورهای داخلی امرو ز جبهه اصلاحات است؟ بخشی از متن پیش‌رو شاید به تصریح و تلویح، پاسخی به این دو سؤال باشد.

**در جامعه پررنگ شده است، حتی یک عده می‌گفتند که شما مانع**

توسعه هستتید و اجازه نمی‌دهید ما صاحبان سرمایه را بیابوریم و استفاده کنیم.

**اصولگرایان حداقل حرف‌هایی از عدالت و کارگران می‌زنند.**

در عمل هر دو یک جور عمل می‌کنند. عذرخواهی می‌کنم قصد من تضعیف کسی نیست، اما فرقی باهم ندارند. امروز برخی جوانان اصولگرا در زمینه عدالت و کارگران بهتر حرف می‌زنند، باید این جریان را تقویت کرد و دست آنان را بوسید که مسیر را پیدا کنند.

**ر بهر معظلم انقلاب در مورد انتخابات مجلس دوازدهم بر چهار مؤلفه تأکید کردند که در این میان مسئله مشارکت و رقابت ارتباط معناداری با جریانات سیاسی و احزاب دارد. شما برای تحقق این دو مؤلفه چه رویکردی در پیش گرفتید؟**

برای ما فرمایشات ایشان نصب‌العین است و در تحقق آنها با تمام توان



**مگر می‌شود بدون تجلی اراده مردم کاری انجام داد. مسیری تجلی اراده مردم هم صندوق رأی و تجمعات قانونی منفی است. صندوق رأی ابزار اراده مردم است. ما نباید صندوق رأی را کنار بگذاریم. همچنین نباید خیابان و صندوق رأی را مقابل هم تعریف کنیم. خیابان همواره در جمهوری اسلامی به نفع نظام بوده است و می‌تواند محل تجلی اراده مردم باشد**

**از اصلاح‌طلبان تحت عنوان اصلاح‌طلبان ساختاری معتقد هستند صندوق رأی دیگر جوابگوی اصلاحات نیست و باید با جامعه سخن گفت و به دنبال تغییرات رادیکال ساختاری بود.**

من نمی‌دانم چه کسانی این حرف‌ها را می‌زنند، ولی اینها نگاه‌های جزمی است، جزمیت فکری از هر جمود فکری بدتر است. مگر می‌شود بدون تجلی اراده مردم کاری انجام داد. مسیر تجلی اراده مردم هم صندوق رأی و تجمعات قانونی صنفی است. صندوق رأی ابزار اراده مردم است، ما نباید صندوق رأی را کنار بگذاریم. همچنین نباید خیابان و صندوق رأی را مقابل هم تعریف کنیم. خیابان همواره در جمهوری اسلامی به نفع نظام بوده است و می‌تواند محل تجلی اراده مردم باشد.

**اما برخی به دنبال تبدیل خیابان به بستری علیه نظام هستند.**

این افراد به دنبال سوءاستفاده از خیابان هستند، در حالی که مهم‌ترین تحولات ایران در طول ۱۵۰سال اخیر در خیابان رخ داده است. بدون خیابان، انقلاب اسلامی بیروز نمی‌شود. ما جنگ را از طریق همین خیابان اداره کردیم.

**آقای تاج‌زاده معتقد است انتخابات جوابگو نیست و به جای صندوق باید وارد گفت‌وگو با جامعه شد.**

خب پس باید آن موقع جنگ کنیم.

**جنگ با چه کسی؟**

چه می‌دانم هر کسسی که این حرف‌ها را می‌زند، از او بپرسید. مگر من گفتم این کار را نکنید. معنی استراتژی این افراد همین است. رای را کنار بگذاریم، رایزنی با حکومت را هم کنار بگذاریم، پس جز جنگ چیزی باقی می‌ماند. فقط تفتگ می‌ماند دیگر که مردم را به جان هم بیندازیم. معنی استراتژی این دوستان همین وضعیت است. این استراتژی خوب نیست. به نظر، آنها قبل از انقلاب چریک بودند و سابقه چریکی دارند، به اسلحه بیشتر اعتقاد دارند، ما هرگز به تفتگ اعتقاد نداشته‌ایم و نداریم. این افراد هم اشتباه می‌کنند. امیدوار هستم مسیر خود را اصلاح کنند.

**آقای نبوی گفته است برخی اصلاح‌طلبان سال پیش فکری می‌کردند کار نظام تمام است.**

بالبته ایشان مشهور به چریک پیر هستند اما در حال حاضر انگار بقیه تبدیل به چریک پیر شده‌اند.

**انتخاب خانم منصوری به دبیر کلی جبهه اصلاحات ایران باعث بروز اختلافات زیادی در بین اعضای این جبهه شد، به نحوی که محمد قوچانی، عضو شورای مرکزی کارگران سازندگی مطلب نندی علیه حزب اتحاد ملت نوشت و آقای و کیلی هم در گفت‌وگو با روزنامه جوان، انتخاب منصورى را کودتا توصیف کرد. نظر شما در این زمینه چیست؟**

خواهیم این حرف‌ها را بزیمم عبی نداد، اما بهتر است فعلاً در مورد انتخابات حرف بزینم، من مشکلی ندارم، منتها واقع آن است که باید به این سؤال فکر کرد و جواب داد و باید با دوستان مشورت کنم. من نظراتی دارم، ممکن است دوستانم با نظراتم موافق نباشند.

**طیف‌های مختلف در این زمینه نظرات خود را بیان کرده‌اند، می‌خواهیم نظر شما را هم داشته باشیم.**

اگر اجازه دهید من از این موضوع عبور کنم، چون در آن جلسات شرکت می‌کنم و به عضو آن هستم که بتوانم سخن بگویم. من بیشتر سابقه‌های خودم برابرم مهم است نه فعالیت سیاسی.

**رادیکال‌های اصلاح‌طلب به دنبال تحریم انتخابات مجلس هستند.**

ما قبول نداریم و جواب و رویکردمان در این زمینه کاملاً روشن است. ما در انتخابات شرکت می‌کنیم و همه را هم به شرکت در انتخابات دعوت می‌کنیم. هر کسی این حرف را می‌زند، اشتباه می‌کند. اگر ابزاری وجود داشته باشد برای هر اقدام اصلاحی‌ان ابزار صندوق رأی است و ابزار دیگری نیست. رأی بهترین ابزار است، باید همه زحمت بکشند و با تمام توان فعالیت کنند.

**برخی احزاب اصلاح‌طلب می‌گویند که ما نفرت کافی برای فهرست دادن نداریم یا ثبت‌نام نکرده‌ایم.**

نخست اینکه فهرست می‌دهند، دوم اینکه افراد کافی برای فهرست‌دان دارند. توصیه می‌کنیم فهرست بدهند.

**میزان ثبت‌نام‌های اصلاح‌طلبان در انتخابات چقدر بود، چون برخی گفتند ثبت‌نام نکردیم و کسی استقبال نکرد.**

ثبت‌نام کردند و به اندازه کافی برای همه کاندیدا و وارد داد تا هر کسی بخواهد فهرست کامل بدهد. حالان‌حالاً ماشالله شورای نگهبان همین رویه هبت‌های اجرایی را دنبال کند. بعید است کسی بگوید نیرویی برای فهرست بستن نداریم، البته نباید به این نکته هم توجه داشت که معمولاً انتخابات مجلس متأثر از انتخابات ریاست جمهوری است، بنابراین اصلاح‌طلبان خیلی انتظار پیروزی نداشته‌باشند.

**یعنی خیلی به پیروزی امیدوار نیستند؟**

معنایش این نیست. من به تلاش اعتقاد دارم، اما واقعیت را هم باید دید. نمی‌توانیم در توهم کار سیاسی انجام دهیم. ما همه را باید حضور و مشارکت کامل دعوت کنیم. در عین حال نسبت به درصلاحت افرادی مثل دکتر پزشکیان انتقاد داریم. آقای پزشکیان در مجلس دهم از عناصر اصلی حامی رهبری بودند. ایشان در جلسات غیر علنی وقت می‌گرفتند حرف می‌زدند، نهج‌البلاغه می‌خواندند و بقیه را توصیه به اطاعت و حمایت از رهبری می‌کردند. اعتقاد ایشان این طوری است، بنابراین ما نباید شخصیت‌های شناخته‌شده را به این راحتی کنار بگذاریم. پزشکیان در مواضع خود حریت دارد، ولی غرض ندارد. ما به این شخصیت‌ها برای افزایش مشارکت در انتخابات نیاز داریم.

**سؤال آخر را می‌خواهم در مورد مسئله افزایش سن بازنشتگی ببرسم. می‌دانم که از نزدیک این مسائل را دنبال کردید و کنش‌هایی هم داشتید. نظر شما در مورد مسئله افزایش سن باز نشتستگی چیست؟**

ان‌شاءالله تبدیل به قانون نشود. لغزش دولت و مجلس در دو مورد عیان است، یعنی حذف ارز ترجیحی و دیگری همین پوست خربزه افزایش سن بازنشتستگی. شما اگر واقعاً می‌خواهید وضعیت صندوق‌ها درست کنید، چرسا بیمه کارگران را زیاد کرده‌اید، اما سهم دولت را کاهش دادید. خوب سهم دولت را اضافه می‌کردید که وضع صندوق‌ها بهتر شود. تازان تورم را که صندوق‌ها نابود کرده‌اند، درست و کارگران باید بدهند، این چه منطقی است. تورم را کارگران در دست نکرده‌اند بلکه مجلس و دولت درست کرده‌اند و ما که در مجلس و دولت بوده‌ایم و هستیم، باید تاوان دهیم نه کارگران. این مصوبه مجلس دارای اشکالات مختلفی است. دریافت سهم بیمه بر عهده سازمان مالیاتی نهاده شده است. خوب مگر سازمان مالیاتی در کار موفق بود که این وظیفه را هم به او سپردیم. بعد با چه مکانیسمی می‌خواهند این کار را انجام دهد. بعد ما به این نهاد اختیار دادیم با یک نامه جلوی حساب مردم را ببندد پسا دارایی مردم را بلوکه کند. این چه وضعیتی است. اگر این تصمیم نهایی و تبدیل به قانون شود، وضع این صندوق‌ها فلاکت‌بار می‌شود.

<sup>[1]</sup> دبیر کل خانه کارگر می‌گوید که این تشکيلات بیش از ۲میلیون و ۴۰۰هزار عضو دارد که تلاش می‌کنیم آنها را برای مشارکت در انتخابات ترغیب و تشویق کنیم